

جلسه‌ی چهارم: ایمان زاینده همراه با تعهدات عملی عمل به تکلیف، شرط تحقق وعده‌های الهی					
آیات ۷۷ و ۷۸ سوره‌ی مبارکه‌ی حج و ۷۲ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال				آیات این جلسه	
تکلیف و تعهد	امت برگزیده	ایمان زاینده	وعده‌های الهی	هجرت	واژگان کلیدی
نتیجه‌گیری‌ها و نکات کلیدی					آیه
<p>ایمان، بر طبق فرهنگ قرآن، صرفاً یک امر قلبی نیست. درست است که ایمان، یعنی باور، و باور مربوط است به دل، اما قرآن هر باوری را به رسمیت نمی‌شناسد. ایمان مجرد، ایمان قلبی خشک و خالی، ایمانی که در جوارح و اعضای مؤمن مشهود نیست؛ این ایمان از نظر اسلام ارزشمند نیست. اول مؤمن به خدا، شیطان است. ابلیس سالیانی خدای متعال را عبادت می‌کرد و دلش کانون معرفت خدا بود، اما در آن بزنگاه، در آنجایی که ایمان‌ها همه آنجا به کار می‌آیند؛ یعنی در هنگام انتخاب، در هنگام تعین راه نهایی، این ایمان به کار ابلیس نیامد، این ایمان در همان دل ماند. ایمانی که فقط در دل بماند، می‌پوسد و می‌خشکد.</p> <p>... آن ایمانی از نظر اسلام ارزش دارد که با عمل، با مسئولیت، با تکلیف، با تعهد همراه است. اگر تعهدی احساس نکردی، در مؤمن بودن خود شک کن. جامعه‌ای که به تعهدات ایمانی عمل نمیکند، نام خود را جامعه‌ی مؤمن نگذارد.</p> <p>آن کسانی که از قرآن شنیده‌اند: «و لاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتُم مؤمنین» سست نشوید غمگین نشوید، اگر مؤمن باشید از همه برترید؛ آن کسانی که این صلا‌ی عجیب را از قرآن شنیدند، بعد به واقعیت‌ها نگاه می‌کنند می‌بینند مؤمنین به قرآن از همه برتر نیستند، بلکه گروکش همه هستند و تعجب می‌کنند که این وعده‌ی قرآن پس کو؟ و اگر زمانی برای انجام این وعده پیدا نکردند، منتظر ظهور ولی عصر صلوات‌الله‌علیه می‌مانند. به این عده باید خاطر نشان ساخت که بله، وعده‌ی الهی حق است، هم در زمان ظهور مهدی موعود صلوات‌الله‌علیه و هم هر جایی که ایمان صورت بندد. اما ایمانی که قرآن آن را همراه با عمل می‌داند، ایمانی که آن را از تعهد جدا نمی‌داند. ایمان، نه فقط یک امر قلبی.</p> <p>... اگر فقط تصدیق و پذیرش در صدق کلمه‌ی ایمان کافی بود، من می‌گویم اول مؤمن به پیغمبر ابولهب یا ولیدبن مغیره می‌مخزومی بود آن هوشمندان عرب خوب می‌فهمیدند که رسول خدا راست می‌گوید. اما شما بعد از چهارده قرن از آن تاریخ او را شیعه نمی‌دانی. یا عمروعاصی که درباره‌ی امام علی <small>علیه‌السلام</small> شعر می‌گوید و دم احتضار، در آن حساس‌ترین لحظه‌ها، اظهار ندامت و پشیمانی می‌کند و می‌گوید دینم را به دنیای معاویه فروختم، با علی که می‌دانستم حق است جنگیدم؛ اگر فقط تشخیص و ایمان قلبی و باور کافی بود، عمروعاص باید اول شیعه‌ی عالم باشد.</p> <p>قرآن صریحاً نفی می‌کند ایمان را از آن کسانی که به‌طور مطلق پایبند تعهدات ایمانی خود نیستند. بنابراین ایمانی که در اسلام معتبر است ایمان زاینده و تعهدآفرین است.</p>					<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۷۷﴾</p> <p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیکو انجام دهید، مگر موفقیت یابید.</p>
<p>۱. ای ملت اسلام! یعنی چه برگزیده؟ یعنی شما را به‌صورت دردانه‌های نازپرورده‌ای گذاشته کنار، گفته اینها تافته‌ی جدابافته‌اند، گناه و اشتباه هم کردند، برخلاف فرمان ما هم عمل کردند، بهشت به‌نام اینهاست؟ این حرفی است که یهودی‌ها هم درباره‌ی خودشان مدعی بودند. قرآن در مقابل یهودی‌ها، آن کسانی که خیال می‌کردند که احبا و اولیا و دوستان، بلکه فرزندان خدایند با لحن خیلی ملامت‌آمیزی اعلام می‌کند که این دوستی و ولایت در گرو این است که به فرمان خدا عمل کنید.</p> <p>خدا امت اسلام را انتخاب کرد، اما قبل از اسلام، بنی‌اسرائیل را هم انتخاب کرده بود. این انتخاب به‌معنای انتخاب آماده‌ترین فرد است برای بزرگ‌ترین کار.</p> <p>۲. این بار را به شما دادیم و این گزینش را نسبت به شما به عمل آوردیم، برای چه؟ تا چه بشود؟ [تا] مسئول مستقیم شما پیغمبر باشد و مسئول همه‌ی بشریت شما. تا پیامبر بر شما گواه و مراقب و دیدبان باشد و شما بر مردمان و بر بشریت مراقب و نگهبان و دیدبان.</p> <p>۳. حالا که شما از طرف پروردگار، به مأموریتی دشوار دارید گسیل می‌شوید، به‌پادارید نماز را. بازهم تکلیف و تعهد. ایمان خشک و خالی نداریم.</p>					<p>وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مَلَأَ آبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۖ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿۷۸﴾</p> <p>و در راه خدا آنچنان که شایسته است مجاهدت نمایید. اوست که شما را برگزیده و در دین بر شما هیچ دشواری و ناسازی قرار نداده. این شیوه و آئین پدران ابراهیم است. او شما را از پیش و در این نوبت «مسلم» نامیده است تا پیامبر گواه و دیده‌بان شما باشد و شما گواهان و دیدبان بشریت باشید. و به‌پا دارید نماز را و بدهید زکات را و به خدا متکی و پناهنده گردید (به آئین او متوسل شوید) اوست سرپرست و پشتیبان شما، نیکو سرپرست و نیکو یآوری است.</p>
<p>علاوه بر تعهدات ایمانی از نوع زکات، نماز و اعتصام به خدا که در آیات آخر سوره‌ی حج مطرح شد در آیات آخر سوره‌ی انفال تعهدات ایمانی دیگری نیز مطرح می‌شود: هجرت و جهاد و ...</p> <p>هجرت کردند یعنی چه؟ یعنی از مشهد رفتند تهران ماندند؟ از شهری به شهری مهاجرت کردند و بس؟ نه. اولاً هجرت کردن به‌معنای یک‌باره از همه چیز دست شستن به‌خاطر هدف، به‌خاطر پیوستن به جامعه‌ی اسلامی، به‌خاطر قبول تعهد در مجموعه‌ی تشکیلات جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود. از مکه که بلند می‌شدی بیرون می‌آمدی، مغازه‌ی پرمتاع و پرکالای خود را از دست می‌دادی و اموالت به تاراج می‌رفت. هجرت یعنی این. آن کسانی که هجرت می‌کردند همه‌ی این محرومیت‌ها و ناکامی‌ها را به‌جان می‌پذیرفتند.</p> <p>از سوی دیگر هجرت، یعنی برای بنای کاخ عظیم جامعه‌ی اسلامی یک خشت بردن... جامعه‌ی اسلامی که در مدینه به‌وجود آمده بود محتاج بود به عناصر مؤمن، فعال، پرتلاش، پرتوان، سابقه‌دار، اسلام‌فهم، محب و معتقد به این راه، با دلی سرشار از ایمان. آن کسی که هجرت می‌کرد از مکه، از انس و محبت و خاطره و راحتی و عیش و نوش می‌گذشت. و در حقیقت به سهم خودش، گام بزرگی برداشته بود در راه بنای آن چنان جامعه‌ای.</p> <p>اینها به هم‌پیوستگان و هم‌جبهه‌گان یکدیگرند. اینها همه یک عنصرند و خشت و آجر یک دیوار و سقفند.</p>					<p>إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَضَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا ۚ ... ﴿انفال: ۷۲﴾</p> <p>به یقین کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند (به‌خاطر خدا و جامعه‌ی اسلامی از خانه و زندگی دست شستند) با مال و جان خود در راه خدا مجاهدت نمودند.</p> <p>و آن کسانی که پناه دادند و یاری کردند آنان به‌هم پیوستگان و هم‌جبهه‌گان یکدیگرند و آنان که ایمان آوردند ولی هجرت نکردند (و به عضویت جامعه‌ی اسلامی که متضمن تعهدات فراوان است درنیامدند) شما را با آنان پیوند و پیوستگی‌ئی نیست تا وقتی هجرت کنند.</p>